

The Doctrine of jari and tatbiq in the Quranic Thought of Imam Khamenei

 **Ameneh Shahbazi** / Level 4 Student of Comparative Exegesis, Researcher at the Research Institute of Islamic Studies, Jamiat al-Zahra

valasrshahbazi@gmail.com

Hasan Sadeghi / Level 4 in Jurisprudence and Principles, Qom Seminary

sadegi114@chmail.ir

Received: 2024/12/31 - Accepted: 2025/09/27

Abstract

The doctrine of jari (the continuous flow of Quranic truths across time) and tatbiq (the application of these truths to specific contemporary contexts) constitute one of the fundamental principles of the Quran. This principle manifests the universality and eternity of the Quran. Consequently, the interpretation of Quranic verses is not restricted to the time and place of their revelation; rather, it flows throughout history. Imam Khamenei stands among those exegetes who have consistently utilized this principle. The significance of this matter lies in the extensive application of this principle, which has been instrumental in ensuring the contemporary relevance and practical applicability of Quranic teachings. Utilizing a descriptive-analytical approach, this study examines Imam Khamenei's exegetical works, public addresses, and documentary sources to elucidate this dimension of his thought, seeking to determine the conceptualization of jari and tatbiq within his Quranic framework. Drawing upon narrative evidence, this study delineates the criteria for jari and tatbiq within his framework. Furthermore, it provides a critical assessment of specific case studies and explores the functional implications and benefits of these principles from his perspective. Consequently, Imam Khamenei's perspective on the principle of jari and tatbiq represents an extension and development of Allamah Tabataba'i's view, particularly concerning social and governance issues. In this regard, his mastery in operationalizing this principle remains unparalleled.

Keywords: Quranic thoughts, jari (perpetual flow), tatbiq (application), Instance (misdaq), Imam Khamenei.



نوع مقاله: پژوهشی

جری و تطبیق در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای

valasrshahbazi@gmail.com

ک آمنه شهبازی / ID / طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی و پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات اسلامی جامعه الزهراء

sadegi114@chmail.ir

حسن صادقی / سطح ۴ فقه و اصول، حوزه علمیه قم

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۵

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱

چکیده

یکی از قواعد قرآنی، جری و تطبیق است. این قاعده جلوه جهانی و جاودانگی دارد. بر این اساس آیات قرآن منحصر در زمان و مکان نزول تفسیر نمی‌شود، بلکه در طول آن جریان دارد. امام خامنه‌ای از مفسرانی است که از این قاعده در موارد متعدد بهره برده است. اهمیت مسئله در به کارگیری فراوان این قاعده است که به روزآمد کردن و کاربردی شدن معارف قرآن کمک شایانی کرده است. این مقاله با هدف شناساندن این بُعد از تفسیر امام خامنه‌ای با روش توصیفی - تحلیلی، با جست‌وجو در کتب تفسیری وی، بیانات، و نیز داده‌های کتابخانه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که جری و تطبیق در اندیشه‌های قرآنی امام خامنه‌ای چگونه است؟ این پژوهش ضمن اشاره به دلایل روایی، ضوابط جری و تطبیق را از منظر ایشان مطرح کرده، و با نگاه آسیب‌شناسانه، به نمونه‌هایی اشاره می‌کند و با دید کارکردگرایی به آثار و فواید جری و تطبیق از دیدگاه معظم‌له پرداخته است. در نتیجه نگاه امام خامنه‌ای به قاعده جری و تطبیق، در امتداد دیدگاه علامه طباطبائی و توسعه آن، به‌ویژه در مسائل اجتماعی و حکمرانی است. به گونه‌ای که در کاربردی کردن این قاعده، کمتر مفسری به پای ایشان می‌رسد.

کلیدواژه‌ها: اندیشه‌های قرآنی، جری، تطبیق، مصداق، امام خامنه‌ای.

مقدمه

مختلفی به صورت عام انجام شده است، اما علی‌رغم تلاش‌های ارزشمند پیشین، تا کنون هیچ پژوهشی به طور اخص در رابطه با جری و تطبیق در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای صورت نپذیرفته است.

۱. مفهوم‌شناسی

بنا بر شیوه هر پژوهش علمی در همین ابتدا برای آشنایی با مفاهیم اصلی پژوهش، به مفهوم‌شناسی برخی لغات و اصطلاحات می‌پردازیم.

۱-۱. مفهوم لغوی «جری»

در لغت به حرکت سریع، «جری» می‌گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۴). واژه «جری» در اصل به معنای حرکت منظم و دقیق در طول مکان است؛ مانند جریان آب، جریان ستاره، جریان کشتی، جریان خورشید و جریان باد (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۷۷). به عنوان مثال، حرکت خورشید و ستارگان به معنای سیر آنها از مشرق به مغرب است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۱۴۱). همچنین به حرکت لشکر، نیز مانند حرکت باده‌ها و خورشید در لغت جری گفته می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۶، ص ۱۷۴).

۱-۲. مفهوم لغوی «تطبیق»

«تطبیق»، مصدر باب تفعیل از ماده «طبق» است؛ به معنای قرار گرفتن چیز گسترده شده‌ای بر مثلش، به گونه‌ای که آن را پیوشاند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۴۳۹).

۱-۳. مفهوم اصطلاحی «جری و تطبیق»

یکی از اصطلاحات قرآنی، قاعده «جری و تطبیق» است که علامه طباطبائی در تفسیر المیزان در موارد بسیاری متذکر آن شده است. این قاعده به صورت قاعده «جری» به تنهایی هم استعمال می‌شود و چه بسا این استعمال شهرت بیشتری دارد. علامه در همان ابتدای تفسیرش در مورد واژه «جری» که زیاد در المیزان به کار رفته است توضیحاتی داده است (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱). بر اساس آنچه وی تصریح کرده است، «جری و تطبیق» نام قاعده‌ای است که علامه نام آن را از روایات ائمه اهل بیت علیهم‌السلام گرفته است و این شیوه را سلیقه اهل بیت علیهم‌السلام دانسته که مورد تأیید عقل نیز هست که

بی‌تردید گستره اعجاز قرآن، فرازمانی و فرامکانی است، که این جاودانگی و جهانی بودن، در ضمن قاعده «جری و تطبیق» تجلی یافته است. اگرچه این قاعده با این نام، مدت زیادی نیست که شناخته شده است، اما همزاد خود قرآن کریم است. به عبارت دیگر، خدای حکیم، قرآن کریم را به گونه‌ای قرار داده است که در طول تاریخ قابل استفاده بوده و گذر زمان قوانین و معارف زنده آن را منقضی نمی‌سازد. «اگرچه قاعده جری از صدر اسلام در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام مطرح بوده است؛ ولی کمتر مورد توجه مفسران و صاحب‌نظران علوم قرآن قرار گرفته است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۳۸). اول بار علامه طباطبائی به طور ویژه با نام بردن از قاعده جری، به این مهم اشاره کرد و پس از او به این نام شهرت یافت. واقعیت آن است که قرآن به منظور هدایت همه انسان‌ها، در همه ادوار نازل شده، و احکام و معارف آن محصور در یک مقطع زمانی نیست. اهل بیت علیهم‌السلام نیز آیه‌ای از قرآن را به مواردی بایسته تطبیق می‌دادند، اگرچه خارج از مورد نزول باشد؛ زیرا اگر حکم آیه را محصور در مورد شأن نزول، اعم از واقعه یا شخص بدانیم، آنگاه می‌بایست با انقضاء آن واقعه یا مرگ آن شخص، آیه نیز منقضی شده و می‌مرد، حال آنکه این گونه نیست، چون بیان عام، و تعلیل مطلق است (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۲). پس از علامه طباطبائی، مفسران به دلیل رویکرد علامه در مسئله جری و تطبیق، توجه بلیغ‌تری به این امر نمودند. یکی از کسانی که از جری و تطبیق در تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم استفاده فراوان کرده است، امام خامنه‌ای است. از آنجاکه این قاعده در کاربردی کردن قرآن نقش مهمی ایفا می‌کند، پرداختن به آن نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. از سوی دیگر، تا کنون هیچ پژوهشی در این زمینه انجام نشده است. بنابراین ضرورت این پژوهش روشن است. بر این اساس مقاله پیش‌رو در پی پاسخ به چگونگی جری و تطبیق در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای است. این مقاله با روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و پردازش آنها به صورت توصیفی - تحلیلی با هدف شناساندن این بُعد از تفسیر معظم‌له تلاش کرده و پس از بیان برخی ادله روایی، به تبیین روش‌شناسی، آسیب‌ها و آثار جری و تطبیق در اندیشه قرآنی ایشان می‌پردازد. در زمینه جری و تطبیق تا کنون پژوهش‌های

۲. ادله روایی جری و تطبیق

همان گونه که گفته شد اصطلاح جری و تطبیق برگرفته از روایات ائمه اطهار^{علیهم السلام} می باشد. از جمله این روایات، روایتی است که فضیل بن یسار از امام باقر^{علیه السلام} نقل کرده است: «... ظَهَرُ تَنْزِيلُهُ وَ بَطْنُهُ تَأْوِيلُهُ مِنْهُ مَا قَدْ مَضَى وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَكُنْ يَجْرِي كَمَا يَجْرِي الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ...» (صفار، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۶)؛ ظاهر قرآن همان تنزیل آن است، و باطنش تأویل آن. پاره‌ای از آن پیش‌تر تحقق یافته و چیزهایی از آن هنوز تحقق نیافته است، جریان دارد، آن گونه که خورشید و ماه جریان دارند. این روایت را عیاشی نیز با اندکی تفاوت آورده است (ر.ک. عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۱). در روایت دیگری آمده است: «... وَ لَوْ أَنَّ الْآيَةَ إِذَا نَزَلَتْ فِي قَوْمٍ مَاتَ أُولَئِكَ الْقَوْمُ مَاتَتِ الْآيَةُ لَمَّا بَقِيَ مِنَ الْقُرْآنِ شَيْءٌ، وَ لَكِنَّ الْقُرْآنَ يَجْرِي أَوَّلُهُ عَلَى آخِرِهِ مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ...» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۰)؛ اگر این گونه باشد که وقتی آیه‌ای درباره قومی نازل شد، مختص به آنان باشد و با مرگ آن قوم، آیه نیز بمیرد، از قرآن چیزی باقی نمی ماند؛ ولی همه آیات قرآن از ابتدا تا انتها تا زمانی که آسمان ها و زمین هست، جاری است. در برخی منابع این روایت با اندکی تفاوت در ضمن یک روایت مفصل تر نیز آورده شده است (ر.ک. فرات کوفی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۳۸-۱۳۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۴، ص ۳۲۸).

۳. روش شناسی قاعده جری و تطبیق در روش تفسیری امام خامنه‌ای

روشمند بودن یک تفسیر از نقاط قوت آن است. روشی که هر مفسر برای بیان تفسیرش پیش می گیرد تأثیر مستقیمی بر جایگاه و نقش آن ایفا می کند. بر این اساس در ذیل به مواردی از شیوه های کاربرد قاعده جری و تطبیق در روش تفسیری امام خامنه‌ای اشاره می شود:

۳-۱. به کارگیری قاعده جری و تطبیق بدون نام بردن از قاعده

علامه طباطبائی در تفسیر خود با تعبیر مشابهی برآمده از واژه های «جری»، «تطبیق» و «مصدق» به قاعده جری و تطبیق اشاره کرده است. گاهی واژه «جری» را به تنهایی آورده، مانند: «و هو من الجری» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۷)، گاهی با «مصدق» همراه ساخته: «و هذه الأخبار من قبيل الجری، و عد المصدق للآية» و «من باب المصدق و الجری» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴۱ و ۱۵۳)، گاهی با

عبارت است از: تطبیق آیات قرآن بر موارد بایسته، اگرچه آن مورد خارج از شأن نزول باشد (ر.ک. طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱ ص ۴۲). شاگرد او آیت الله جوادی آملی نیز در مورد اصطلاح «جری» نوشته است: «قرآن کریم کتابی جهانی و جاودانه است؛ به طوری که نه مرزهای جغرافیایی و حدود اقلیمی حوزه رسالت آن را مرزبندی می کند و نه مقاطع امتداد زمان را بر قلمرو شمول و فراگیری آن تأثیری است و چنین کتابی در غایب همانند حاضر جاری است و بر گذشته و آینده همانند حال منطبق می شود. احکام و اوصافی که قرآن کریم برای خود بیان می کند فراتر از مرزهای مکانی و زمانی است. از این ویژگی قرآن کریم در روایات به «جری» تعبیر شده است» (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۶۷). بنابراین «جری و تطبیق» عبارت است از: «انطباق الفاظ و آیات قرآن بر مصادیقی غیر از آنچه آیات درباره آنها نازل شده است» (شاکر، ۱۳۷۶، ص ۱۴۷). البته برخی معتقدند جری و تطبیق، انطباق ظاهر قرآن که مفهومی عام، کلی یا مطلق است بر مصداق های جدید که در طول اعصار، نسل ها و مکان ها پدید می آیند و تفاوتی ندارد که آیه قبلاً در مورد شخص یا واقعه خاصی نازل شده باشد، یا نشده باشد (ر.ک. رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴۰) که به نظر تعریف جامع تری است. برخی نیز جری را با بطن آیات مرتبط دانسته و گفته اند: «جریان آیات قرآن در گذر زمان بر مصادیق جدید که بی ارتباط با همان بطن آیات نیست، از دیگر ویژگی های قرآن است که پشتوانه مهمی برای جاودانگی قرآن شده است. طبق این دیدگاه، گرچه بخشی از آیات قرآن، دارای سبب نزول خاص و مصداق نخستین است، امکان تحلیل و تطبیق آن بر مصادیق دیگر نیز وجود دارد» (مودب، ۱۳۹۶، ص ۲۹۲)، که باید توجه داشت جری غیر از بطن است؛ چنان که دیگران نیز به درستی در مدخل بحث از جری و تطبیق، برای حفظ از چنین خلطی هر کدام را به طور جداگانه تعریف کرده اند (ر.ک. رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۴۴). البته جری مربوط به ظاهر قرآن و بطن هم به معنای مصداق برای معنای ظاهری همین می شود، ولی بطن، گاهی به معنای باطنی است. برخی نیز با تفکیک جری و تطبیق، گفته اند: تطبیق در جایی است که آیه ای عام و فراگیر باشد و از استمرار لازم برخوردار باشد و جری در جایی است که معنای ظاهری آیه عام نمی نماید و یا تطبیق آن بر مصادیق نو پدیدش، آسان نیست (ر.ک. مسعودی، ۱۴۰۰، ص ۲۷) که به نظر تفکیک درست نیست.

«تطبیق»، گفته است: «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد: ۷)، «تَنْصُرُوا اللَّهَ» موضوع است؛ یاری کنید خدا را، حکم و نتیجه، «يَنْصُرْكُمْ» است. اگر شما خودتان را با این تطبیق کردید، حتماً آن نتیجه مترتب خواهد شد؛ بروبرگرد ندارد. وعده الهی است دیگر» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷).

همچنین وی در مورد «پدیده مقاومت» برخاسته از بیداری اسلامی، بدون استفاده از واژه‌های مصداق و تطبیق می‌گوید: «این پدیده همان است که درباره نمونه‌ای از آن در صدر اسلام، این آیه شریفه نازل شد: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ * فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ دَارِهِمْ لَم يمتَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَهُ وَ اللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ» (آل عمران: ۱۷۳-۱۷۴؛ پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۴۰۱/۰۴/۱۷).

۳-۲. جری و تطبیق با توجه به عموم و اطلاق آیه
مرحوم طبرسی ذیل آیه ۱۱۱ توبه در عبارت «فَيَقْتُلُونَ وَ يُقَتَّلُونَ» گفته است: «مشرکان را می‌کشند و مشرکان نیز از آنها می‌کشند» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۱۱۳). اما امام خامنه‌ای نظر دیگری دارد که بر اساس آن حتی ممکن است مسلمانی را هم شامل شود. او با استفاده از عموم آیه در مصادیق توسعه داده است؛ زیرا «در آیه نیامده که مقاتلان چه کسانی را می‌کشند، چون مخالفانی که باید کشته شوند، تنها عده خاصی از قبیل کفار و مشرکان نیستند، بلکه هر کسی و هر چیزی که مقابل «سبیل‌الله» و تکامل انسانی قرار بگیرد، آیه جلوی او را می‌گیرد؛ اعم از کافر و منافق و مشرک و یهودی و مسیحی و یا به‌ظاهر مسلمانی مثل معاویه بن ابی‌سفیان» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف، ص ۶۲۰). بر همین اساس، مراد آیه را این‌گونه بیان کرده است: «مراد آیه هر کسی است که مانع از تحکیم اهداف اسلامی باشد و در جهت مخالف اسلام قرار گیرد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف، ص ۶۲۰)، و نیز ذیل آیه «انْفِرُوا خِفَافًا وَ ثِقَالًا وَ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (توبه: ۴۱) می‌گوید: «در مورد «مجاهدت با نفس» معنایی که اول در ذهن عامه می‌آید، دادن جان در راه خداست، درحالی‌که فایده نفس انسانی، فقط فدایی شدن در راه خدا نیست، بلکه تمام مراحل قبل از فدایی شدن، مانند به‌کارگیری فکر و انرژی‌ها و قوای جسمانی و

تطبیق و هم‌خانواده‌های آن: «أنه من التطبيق و الجری» و «و هو من قبیل الجری و الانطباق» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۳۵ و ۳۹۱) و گاهی نیز هر سه را با هم آورده است: «من الجری و التطبيق علی المصداق» و «و هو من باب الجری و الانطباق علی المصداق الکامل» (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۲۱۶ و ۲۶۶). امام خامنه‌ای، اما در تفاسیری که از برخی سوره و آیات داشته است، هیچ کجا از قاعده جری و تطبیق نام نبرده، بلکه به‌صورت کاربردی بدون نام بردن از قاعده، به بیان مصادیق ملموس کنونی آن پرداخته است. مانند آنجا که در تفسیر سوره حشر ذیل آیات مربوط به شکست و جلائی وطن قبیلۀ یهودی بنی‌النضیر، ناباورانه بودن پیروزی مسلمانان بر یهود را بر حوادث انقلاب اسلامی تطبیق می‌دهد (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ، ص ۵۶ و ۵۷) و از این تطبیق برای قضیه فلسطین این‌گونه راه‌حل معرفی می‌کند که «ای کاش این طرز تفکر را که قرآن به ما یاد می‌دهد، آن مسلمان‌هایی که در نزدیکی صهیونیسم خبیث دارند زندگی می‌کنند، داشتند؛ می‌فهمیدند که برای آسایش اسلام و مسلمین و آسایش جوامع اسلامی باید آن غده سرطانی را، آن زخم بدخیم خبیث را یکجا از جا بکنیم» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ، ص ۷۹) و یا در مورد منافقان در تفسیر سوره مجادله توجه می‌دهد که: «وقتی راجع به نفاق و منافق صحبت می‌کنیم، فوراً ذهنتان سراغ یک نفر آدم منافق دورو نرود یا ذهنتان فقط سراغ فلان گروهی که نفاق می‌ورزد، نرود. آنها هم منافق‌اند؛ اما این در یک مقیاس وسیع‌تر و در یک دامنه وسیع‌تر بایستی مورد ملاحظه قرار بگیرد. جریان نفاق در همه سطوح، مشمول این مطالب است؛ هم آن گروه منافق، هم گروه‌های منافق با فکرها و ایده‌های گوناگون و روش‌های گوناگون، هم دولت‌های منافق با فکرها و ایده‌های گوناگون و روش‌های گوناگون، هم دولت‌های منافق هم اشخاص منافق، همه و همه مشمول بیان این آیه شریفه هستند (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۱۵). همچنین وی در بیاناتش، مصادیق امروزی آیات را گاهی با واژه «مصداق» فلان آیه، گاهی با اشاره به واژه «تطبیق»، و یا حتی بدون استفاده از این واژه‌ها بیان کرده است. به‌عنوان نمونه در مورد پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس می‌گوید: «درواقع پیشکسوتان مصداق «و السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (توبه: ۱۰۰) هستند؛ مصداق «و السَّابِقُونَ السَّابِقُونَ» (واقعۀ: ۱۰) هستند» (بیانات در دیدار پیشکسوتان و فرماندهان دفاع مقدس ۱۴۰۱/۰۶/۳۰). و یا با به کار بردن واژه

دیدم درست است، کاملاً تطبیق می‌کند. الهام می‌گیریم ما از این حدیث، میزان امام است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۰۸). آنگاه می‌گوید: «امام میزان است، معیار است، بدی‌ها و خوبی‌ها با او سنجیده می‌شود، راه‌ها با او تطبیق می‌شود، به علاوه، اوست که ناظر است در اجتماع به اینکه از توازن و تعادل، مردم خارج نشوند و بر مقررات نظارت می‌کند، روایت هم این را تأیید می‌کند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۷، ص ۳۰۸).

۳-۴. جری و تطبیق با کمک آیات دیگر

امام خامنه‌ای در تعیین مصداق برای آیه به روایات ذیل آیات بسنده نکرده؛ بلکه گاهی به کمک آیات دیگر مصادیق را در غیر موارد مشهور تطبیق داده است. به عنوان نمونه در مورد مصادیق «مغضوب علیه» و «الضالین» می‌گوید: «در بعضی از روایات "الْمَغْضُوبُ عَلَيْهِمْ" تفسیر شده است به یهود، و "الضالین" تفسیر شده است به نصاری. البته "غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ" معنای عامی دارد؛ کسانی که مورد غضب خدا هستند، فقط یهودی‌ها نیستند، یهودی‌ها هم یک مثال و یک نمونه‌ای از آن هستند. می‌تواند مراد کل مشرکان و معاندان و محاربین باشد که بعداً هم در آیات بعدی اشاره شده که «يُؤَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» دشمن خدا و رسول فقط عبارت از یهودی‌ها نیستند؛ ولی یهودی‌ها هم یک مصداقش هستند (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۱۱).

۳-۵. جری و تطبیق با کمک معنای لغوی

در برخی موارد امام خامنه‌ای، مواردی را که مفسران ذیل کلمه‌ای آورده‌اند، از مصادیق آن کلمه شمرده و هرچند صحت آن را تأیید کرده، اما آن را برای بیان معنای کلی و عام کلمه کافی ندانسته و خود بر اساس معنای لغوی، معنای کلی‌تری برای معنای اصلی بیان کرده است. به عنوان نمونه از نظر وی، تعبیر «محبت» برای واژه «ولایت» در برخی ترجمه‌ها و تفسیرها درست است؛ اما کافی نیست و معنای کلی و عام «ولایت»، غیر از «محبت» است؛ محبت یکی از مصداق‌های ولایت است. از نظر وی «ولایت» بر حسب معنای لغوی، یعنی ارتباط و اتصال بسیار مستحکم دو چیز با همدیگر، به‌طوری‌که آن دو را نتوان به‌آسانی از همدیگر جدا کرد؛ سپس تعبیر خود از واژه «ولایت» را «به‌هم‌پیچیدگی»

روحی و قوه ناطقه، همگی مصداق مجاهده با نفس است. بنابراین اگر خوب ملاحظه نمایید، فرمان «جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» تمام وجود انسان و زندگی ما را فرا می‌گیرد و همه وجود انسان و متعلقات مربوط به انسان را شامل می‌شود و آیه فقط درباره جنگ تبوک یا احد و حنین نازل نشده است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱، الف، ص ۲۲۰). و یا در جایی دیگر می‌گوید: «در آیه قبل اشاره به این روحیه و این خصلت در انسان و در مؤمنان صدر اسلام شد که البته آن مؤمنان هیچ خصوصیتی ندارند؛ آن حالت درباره مؤمنان آخرالزمان، [بلکه] درباره مؤمنان همه زمان‌ها، درباره همه انسان‌ها قابل تصور است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۰۹).

همچنین امام خامنه‌ای ذیل آیه ۱۰ سورة جمعه در مورد عبارت «فَضَّلَ اللَّهُ» به اقوال مختلف مفسران از قبیل مال، تعلم علم، کارهای مستحب، مانند عیادت مریض، تشییع جنازه مؤمن، صله رحم اشاره کرده و سپس نظر خودش را این‌گونه بیان کرده است که فضل الهی، یعنی تفضل خدا، یک دایره محدودی ندارد، مخصوص مادیات نیست، بلکه هر دوی مادیات و معنویات را شامل می‌شود. پس این چیزهایی که در روایات ذکر شده، اینها مصداق است برای فضل الهی؛ ای بسا مصداق‌های دیگری هم وجود دارد. و سپس برخی مصادیق را برمی‌شمارد (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ص ۱۵۴-۱۵۵)، و یا ذیل آیه ۶۷ توبه که ملاک‌های شناخت منافق را بیان کرده است، می‌گوید: «آگاهی از این نکته، موجب می‌شود که استفاده از آیه برای ما همیشگی و دائمی باشد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱، الف، ص ۳۷۸). بنابراین تفسیر، آیه از مورد شأن نزول فراتر رفته و جریان می‌یابد.

۳-۳. جری و تطبیق با کمک روایات

در برخی موارد امام خامنه‌ای با کمک روایات، قاعده جری را اجرا کرده است. به عنوان مثال ذیل آیه «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید: ۲۵) در تبیین واژه «المیزان» با اشاره به این روایت: «فی تفسیر علی بن ابراهیم و قوله: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ قَالَ: الميزانُ الإمام» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۵، ص ۲۴۹) می‌گوید: «بنده مراجعه کردم در ذیل آیه به احادیثی که وارد شده، دیدم یکی از چیزهایی که «میزان» را معنا کردند، می‌فرماید که «المیزانُ امام» و

چنین توجهی بذل نشود، ممکن است خطایی رخ دهد که منجر به نتایج نادرست شود. امام خامنه‌ای ازجمله مفسرانی است که در اجرای قاعده جری و تطبیق به این امر توجه داشته است که برای نمونه به مواردی اشاره می‌شود:

۴-۱. منحصر کردن آیه با امکان اجرای قاعده جری و تطبیق

امام خامنه‌ای در برخی موارد که مفسران مفهومی را برای آیه بیان کرده‌اند، تذکر داده است که این موارد از باب بیان مصداق برای آیه است و نباید آیه را در این موارد محدود دانست. به‌عنوان نمونه در مورد دو واژه «خِفَافاً» و «ثِقَالاً» ذیل آیه ۴۱ توبه گفته است: «مفسران گذشته درباره مقصود آیه از این دو کلمه هر یک سخنی گفته‌اند... حقیقت این است که هر یک از گفته‌های مفسران، مصداقی برای آن کلی است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف، ص ۲۱۷). او سپس هشدار می‌دهد اگر کسی معنای کلی آیه را محصور در این موارد جزئی تفسیر کند، مرتکب تفسیربه‌رأی شده است و البته جانب انصاف را رعایت کرده و بیان موارد جزئی توسط برخی گذشتگان را بیان مصداق معرفی کرده و توجه مفسران اخیر به این مطلب را مایه خوشبختی دانسته است (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف، ص ۲۱۷-۲۱۸).

۴-۲. جری و تطبیق در موارد انحصاری

در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای، قاعده جری و تطبیق یک قاعده بی‌ضابطه نیست که بتوان در همه آیات اعمال کرد. به‌عنوان مثال وی به برخی آیات دارای مصداق منحصربه‌فرد، اشاره کرده و تطبیق‌های ناروا در این مورد را نکوهیده است. به‌عنوان نمونه گفته است: «در قرآن کریم آیاتی هست که به غیر از مسئله غدیر به مسئله دیگری قابل تطبیق نیست. همین آیه معروف «...الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اَخْشَوْنَ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِيناً...» (مانده: ۳) که در اوایل سوره مائده است، با غیر مسئله‌ای در وزن و اهمیت و اندازه مسئله غدیر، قابل تطبیق نیست؛ فقط یک چنین مسئله‌ای است که می‌تواند تعبیر «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» درباره‌اش بیاید. آن کسانی که در مضمون این آیات خدشه کرده‌اند، حرف‌هایی می‌زنند، مطالبی گفته‌اند، مخالفان و کسانی که قضیه

«به‌هم‌جوشدگی» و «به‌هم‌پیوستگی» بیان می‌کند. از آنجاکه معمولاً معنای لغوی واژه‌ها بی‌ارتباط با معنای اصطلاحی آنها نیست، وی سپس به معنای اصطلاحی این واژه نیز اشاره می‌کند و می‌گوید: در اصطلاحات قرآنی و حدیث و اصطلاح شایع عرب، ولایت به انواع و اقسام پیوندهای محکم و مستحکم اطلاق می‌شود، ازجمله پیوند محبت که پیوند مستحکمی است و به آن ولایت اطلاق می‌شود و به خاطر اینکه یکی از انواع پیوندهای مستحکم است، یکی از انواع ولایت است، و به عبارت دیگر، مصداقی برای ولایت به معنای لغوی است. ایشان در ادامه، ولایت به معنای «حکومت» را هم با همین دید تبیین می‌کند؛ به این دلیل که پیوند حاکم و سرپرست جامعه با جامعه، پیوند و رابطه‌ای مستحکم و پیچیده است و در حقیقت ولایت به معنای حکومت هم، نوعی از مصداق‌های ولایت به معنای لغوی است. سپس متذکر می‌شود علمای لغوی برای واژه «ولایت» حدود هشت معنا در کتب لغت ذکر کرده‌اند؛ که وقتی دقت می‌شود همه آن معانی در حقیقت مصداق‌هایی برای آن معنای اصلی، یعنی به‌هم‌پیوستگی و به‌هم‌پیچیدگی هستند (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ و، ص ۱۱۱-۱۱۲).

۴-۳. جری و تطبیق با توجه به کلیت آیه

گاهی کلیت برخی آیات سبب شده است امام خامنه‌ای بر اساس آن به جری و تطبیق بپردازد. مانند آنجا که در مورد آیات زمینه‌ساز آمادگی برای جنگ تبوک آن را خطاب به تمام اهل ایمان دانسته و گفته است: «باید توجه داشت که گرچه این آیات به‌منظور مقدمه‌چینی جنگ تبوک در آن زمان نازل شده است تا مردم برای جهاد آماده شوند و موانع آن را از سر راه بردارند، ولی ما نباید این آیات را تنها مربوط به آن زمان بدانیم؛ زیرا مطالب آیه و آموزش آن، چنان کلی است که همه مردم را در طول تاریخ شامل می‌شود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف، ص ۲۲۸).

۴. آسیب‌شناسی قاعده جری و تطبیق در اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای

به‌طور کلی یکی از موارد اثرگذار در نتیجه‌بخش بودن یک امر، توجه به آسیب‌های آن است، به‌ویژه در امر حساس تفسیر قرآن کریم، اگر

غدير را قبول ندارند، اين آيه را به نحوی تأويل کرده‌اند؛ لکن اين بخش از آيه قابل تأويل نيست» (بيانات در ديدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عيد غدیر، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰). او سپس تنها مصداق انحصاری آيه را قضيه رهبری جامعه اسلامی، قضيه نظام حکومت و امامت در جامعه اسلامی معرفی کرده است (ر.ک. بيانات رهبر معظم انقلاب در ديدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عيد غدیر، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰). بنابراین حتی اگر گفته شود اين آيه شريفه بر مصادیقي از جنس خود واقعه غدیر، مثل روی کار آمدن هر امامی پس از امام پیشین تطبیق می‌شود، اين مسئله منافاتی با انحصار آيه در واقعه غدیر ندارد، به شرط آنکه مصادیق بر جنبه حاکمیت و رهبری ولی تأکید داشته باشد. همان‌گونه که معظم‌له به آن اشاره کرده و آن را در وزان یأس کفار بیان کرده است.

۵. آثار جری و تطبیق در نوع کاربست جری و تطبیق توسط امام خامنه‌ای

علی‌رغم اینکه برخی معتقدند «در میان مفسران شیعه، هیچ کسی به مانند علامه طباطبائی در کاربردی کردن قاعده جری، اهتمام نورزیده است» (نفیسی، ۱۳۹۲، ص ۸)، به نظر می‌رسد مناسب‌تر آن است که گفته شود در شناساندن قاعده جری و موارد آن در قرآن، کسی بر علامه سبقت نگرفته و بدون شک توجه به اين قاعده مرهون دقت نظر و اهتمام ویژه ایشان است، اما در بحث کاربردی کردن اين قاعده، کمتر مفسری به پای امام خامنه‌ای می‌رسد. اين دیدگاه ایشان، یعنی توجه داشتن به قاعده جری و تطبیق به صورت کاربردی، آثاری دارد که به برخی از آنها با توجه به تفسیر وی اشاره می‌شود:

۵.۱. کاربردی کردن کتاب الهی

از دلایل مهبجوریت قرآن، می‌توان یکی به نگاه تقدس‌مآبانه و تبرک‌جویانه صرف و دیگری غفلت به دلیل توهم ناکارآمدی آن بیان کرد، اما مواجهه کاربردی امام خامنه‌ای با قاعده جری و تطبیق، هر دو را خنثی می‌کند. از تجلیات عملیاتی کردن قاعده جری و تطبیق که به کاربردی کردن بیش از پیش قرآن می‌انجامد، درس‌آموزی از عبرت‌های قرآن و به کار بستن آنهاست. «عبرت گرفتن، یعنی از یک پدیده به یک قانون توجه پیدا کردن» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ.، ص ۷). امام خامنه‌ای بیان ماجرای بنی‌النضیر و

قلعه‌های آنها در سوره حشر را مایه عبرت سایرین در طول اعصار می‌شمارد و می‌گوید: «خدا می‌فرماید: ای تاریخ بشریت، ای تاریخ اسلام، ای مسلمان‌هایی که بعد خواهید آمد! از حادثه نابود شدن قلاع بنی‌النضیر با همه قدرتشان در مقابل مسلمان‌ها عبرت بگیرید؛ یعنی چه عبرت بگیرید؟ یعنی بدانید همه قلاع مستحکم کفار عالم و معاندان در مقابل ایمان شما و خوب عمل کردن شما و نظم شما همین‌طور منهدم خواهد شد. همین‌طور از بین خواهد رفت» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ، ص ۴۸-۴۷). او می‌گوید: «شاید اگر پنج سال پیش، ده سال پیش ما این آیات را می‌خواستیم معنا کنیم، اگرچه قبول داشتیم، اما درست نمی‌فهمیدیم که این آیات چه واقعیت اجتماعی‌ای را دارد بیان می‌کند؛ امروز اين واقعیت اجتماعی جلوی چشم ما است. عیناً مثل جامعه خودمان...» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ، ص ۵۴). اين نوع عبرت‌آموزی غیر از آنکه ارائه راهکار می‌کند، امیدآفرین نیز هست؛ یعنی می‌گوید: هر جا ایمان و ایستادگی در جبهه حق باشد، دستیابی به اهداف والا، هرچند بزرگ بنماید کاری بعید و دست‌نیافتنی نیست.

امام خامنه‌ای همچنین ذیل آیات سوره حشر، با مثال زدن به انقلاب صدر اسلام و نیز انقلاب اسلامی ایران، وجود نیروی عامه مردم در میدان را عاملی می‌داند که خداوند از آنجا که گمان نمی‌کردند ایشان را یاری می‌فرماید (ر.ک. حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ، ص ۵۷) و نیز در مورد زبان جذب نکردن مفاهیم کتاب آسمانی در جان هشدار می‌دهد و «لم یحملوها» را که خطاب به بنی‌اسرائیل است، منحصر در آنها ندانسته و بر اساس جری، مخاطبان قرآن را نیز مورد خطاب آيه شمرده و گفته است: «اینجا جای دقت است برای من و شما، اینجا جای ترس من و شماست که ته دلمان بلرزد... اینجا کسانی را می‌گوید که تورات به آنها داده شد، اما کسانی هم که قرآن به آنها داده شد، عیناً همین جور هستند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ، ص ۹۶-۹۷)، و به آن نیز بسنده نکرده و بارها توضیح داده است که «قانون الهی، اين نيست که دين الهی همین‌طوری به‌خودی‌خود پیروز بشود، مسلمان‌ها بگیرند بخوانند و بگویند خیلی خوب، پس دين خدا خودش پیروز بشود، نخیر، دين خدا آن گیاهی است، آن رویشی است که یک دهقان و باغبان دلسوز لازم دارد؛ آن باغبان دلسوزش مسلمین‌اند» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ هـ، ص ۷۱). همچنین می‌گوید: «اینکه شما می‌بینید قرآن داستان قوم عاد و ثمود و فرعون

نتیجه‌اش آن است، اگر با موضوع سنت‌های دسته دوم تطبیق کردیم، نتیجه‌اش این است؛ برو برگرد ندارد» (بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷).

۵.۳. الهام‌گیری برای مصادیق جهت خودسازی و جامعه‌پردازی
امام خامنه‌ای در جایگاه رهبر انقلاب، حرکت جامعه به سمت آرمان بزرگش، یعنی تمدن‌سازی نوین اسلامی را در گام‌هایی مطرح کرده که هم‌اینک در ابتدای گام دوم آن قرار داریم. خود وی در بیانیه گام دوم انقلاب از این گام به‌عنوان دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی یاد کرده است.

از آنجاکه امام خامنه‌ای بر اساس قاعده جری آیات را محصور در زمان و مکان نمی‌داند؛ از این رو توصیه می‌کند به تناسب، افراد خود را مصداق آیه سازند. به‌عنوان مثال در رابطه با آیه «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ» (احزاب: ۲۳) می‌گوید: «شکل تمام و کاملش عبارت از این است که شخص از خودش مصداقی بسازد برای معارف الهی و برای دستورات الهی و برای راهی که خدا معین کرده و پیش پا گذاشته؛ یعنی خودش را مصداق آن قرار بدهد؛ این را ان‌شاءالله یاد بگیریم. و اگر خواص جامعه همت کنند برای تولید یک چنین شخصیت‌هایی، هر یک از اینها خواهد توانست جامعه را در مواقع حساس نجات بدهد؛ واقعاً این‌جوری است» (بیانات در دیدار اعضای همایش بین‌المللی حضرت حمزه سیدالشهدا، ۱۴۰۰/۱۱/۰۵).

معظم‌له سپس به مراکز حوزوی توصیه می‌کند که «شخصیت‌هایی را درست کنیم که این شخصیت‌ها خودشان مصداق باشند برای معارف الهی، معارف اسلامی و احکام اسلامی. اگر یک چنین شخصیت‌هایی درست بشوند، آن وقت دیگر تشکیل تمدن اسلامی یک چیز قطعی خواهد بود؛ یعنی دیگر مورد تردید نخواهد بود» (بیانات در دیدار اعضای همایش بین‌المللی حضرت حمزه سیدالشهدا، ۱۴۰۰/۱۱/۰۵).

ایشان در جمعی که یک قاری آیاتی را در حضورشان خوانده است به یک آیه از آن اشاره کرده و از مخاطبان خواسته است سعی کنند مصداق این آیه شریفه باشند: «أَنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى» (کهف: ۱۳) (ر.ک. بیانات در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی، ۱۴۰۱/۰۶/۲۶).

این درخواست، امری دارای بُعد عملی نیست که نتوان به آن دست یافت. به‌عنوان مثال می‌دانیم که بی‌شک امام خمینی علیه السلام یکی از

و بقیه اقوام را بیان می‌کند، بیان کردن تاریخ از جهت سرگرمی که نیست برای این است که آن بلایی که سر آنها آمد سر ما هم می‌تواند بیاید؛ چرا؟ چون قوانین عالم، قوانین تاریخ یکسان است» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ ج، ص ۷۵). در جایی دیگر نیز گفته است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ»، خطاب به همه انسانیت است، به همه بشریت در طول تاریخ؛ مخصوص یک نسل یا یک عده مردم خاصی نیست. امروز هم عیناً همین خطاب هست» (حسینی خامنه‌ای، ۱۴۰۱ ب، ص ۳۴۶).

۵.۲. پاسخ‌گویی به سؤالات روز

قرآن کریم برنامه زندگی بشر است. یکی از ابعاد زندگی بشر را احتیاجات او شکل می‌دهد. اندیشه قرآنی امام خامنه‌ای در موارد متعدد پاسخگوی این نیازها، در سطوح مختلف فردی و اجتماعی است. به‌عنوان مثال باید به این مسئله اشاره کرد که با شکل‌گیری انقلاب اسلامی که به تعبیر وی فرعون‌های در بستر آرمیده را بیدار و به خط کرد، دشمنی‌ها علیه جمهوری اسلامی ایران روزبه‌روز گسترش و شدت پیدا کرده (ر.ک. بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷)، و امروز کار به جنگی ترکیبی رسیده است. این مطلب این سؤال را ایجاد می‌کند که راه مقابله و فائق آمدن بر این مسئله چیست؟ هرچند در سطح فردی، هر شخص با توجه به جایگاه، امکانات و دیگر عوامل مؤثر در این زمینه، وظیفه خاص خود را داراست، در نگاه اجتماعی نیز وظایفی مطرح است. امام خامنه‌ای با اشاره به ماجرای جنگ احد در قرآن کریم و بیان علت پیروزی اولیه و شکست نهایی سپاه اسلام در بیانات خود این‌گونه مسئله را تبیین کرده و پاسخ می‌دهد: «قرآن پر است از [سنت‌های الهی]؛ عرض کردم، از اول قرآن تا آخر قرآن همین‌طور که نگاه کنید، دائم سنت‌های الهی تبیین می‌شود و تکرار می‌شود؛ چند جا هم بیان شده: "سَنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسَنَةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا" (فتح: ۲۳) - که از این قبیل چهار پنج مورد هم هست - که خدا [می‌فرماید] سنت‌های الهی تغییرپذیر نیست؛ قوانین الهی، قوانین متقنی است. خدا با کسی هم قوم و خویشی ندارد؛ اینکه بگوییم ما مسلمانیم و شیعه‌ایم و جمهوری اسلامی هستیم، پس هر کاری که دلمان خواست بکنیم، نه؛ ما با دیگران هیچ فرقی نداریم. اگر چنانچه خودمان را با موضوع آن سنت‌های دسته اول تطبیق کردیم،

از آنجاکه ایشان در مقام راهبری جامعه اسلامی قرار دارد با استناد به قرآن با دیدی کلان‌نگر هم به این امر تشویق می‌کند و هم نسبت به آسیب‌ها هشدار داده و برحذر می‌دارد. به‌عنوان مثال در مورد منطبق کردن خود بر سنت‌های الهی متذکر می‌شود که اگر خود را مصداق «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا» قرار دهید، بایستید و ایستادگی و مقاومت کنید، خدا شما را سیراب و بی‌نیاز می‌کند و هشدار می‌دهد که عکس این قضیه نیز ثابت است؛ زیرا سنن الهی اقسامی دارد می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ» و سپس می‌گوید: «وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ر.ک. بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۰۴/۰۷).

۵۴. گسترش مصادیق با بیان مصادیق امروزی و جدید در تفاسیر ذیل آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب: ۲۳) به شأن نزول آن اشاره شده است. (ر.ک. طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۴۹؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۲۹؛ عروسی خویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۵۸).

حسکانی ذیل آیه با سند، روایتی از امیرالمؤمنین^ع آورده است که حضرت فرموده است: این آیه در مورد ما نازل شده است (ر.ک. حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۵). شیخ صدوق روایت دیگری را از حضرت امیر نقل کرده که فرمود: مراد از آیه من و عمویم حمزه و برادرم جعفر و پسر عمویم عبیده هستم، و در ادامه فرمود: این آیه در مورد ما نازل شده و مَنْ قَضَى نَحْبَهُ حمزه و جعفر و عبیده است و من هم منتظر هستم (ر.ک. صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۳۷۶). مرحوم فیض کاشانی نیز روایتی از امام باقر^ع را ذکر کرده است که هم مضمون با همین معنا است. او می‌گوید: منظور از مَنْ قَضَى نَحْبَهُ، حمزه و جعفر بن ابی‌طالب و من ینتظر، علی^ع است (ر.ک. فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۸۰). امام خامنه‌ای با اشاره به همین روایت مذکور از امام باقر^ع و ذکر سند آن، جهت بیان عظمت جایگاه حضرت حمزه، به این آیه استدلال کرده است (ر.ک. بیانات در دیدار اعضای همایش بین‌المللی حمزه سیدالشهداء، ۱۴۰۰/۱۱/۰۵)، و از آنجاکه بر اساس قاعده جری، آیه را در خصوص مورد شأن نزول محصور نمی‌داند به مناسبت، مواردی از عصر کنونی را در بیاناتش، مصداق آیه معرفی کرده است. به‌عنوان نمونه از شهیدان رجایی و باهنر به‌عنوان دو انسان مؤمن و مجاهد فی سبیل‌الله که مصداقی

انسان‌های وارسته‌ای است که در ابعاد مختلف به مقامات والایی دست یافته است. آیت‌الله العظمی خامنه‌ای در جاهای مختلف از امام راحل به‌عنوان مصداق پاره‌ای از آیات قرآن یاد کرده است که علاوه بر معرفی عظمت شأن و عمل ایشان، می‌تواند الگویی ملموس در این زمینه باشد. به‌عنوان نمونه در اطلاعیه‌ای که به‌منظور رحلت امام^ع از سوی سران سه قوه و نخست‌وزیر منتشر شده و آیت‌الله خامنه‌ای یکی از آنهاست، از امام به‌عنوان مصداق آیه «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب: ۲۳) (ر.ک. اطلاعیه سران سه قوه و نخست‌وزیر به مناسبت ارتحال امام خمینی، ۱۳۶۸/۰۳/۱۴) و در جایی دیگر مصداق «وَأَمَّا مَنْ أَمَنَّ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَى وَ سَنَقُولُ لَهُ مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا» (کهف: ۸۸) (ر.ک. بیانات در دیدار نخست‌وزیر و اعضای هیئت دولت، ۱۳۶۸/۰۳/۱۶) یاد شده است. همچنین در باور به خدا، از امام راحل به‌عنوان مصداق «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران: ۱۷۳) یاد کرده است (ر.ک. بیانات در بیست و چهارمین سالگرد رحلت امام خمینی، ۱۳۹۲/۰۳/۱۴). ایشان حتی برای اینکه افراد از مصادیق آیات رحمت باشند ارائه راهکار نیز می‌کند. مانند آنجا که توصیه می‌کند: «یک ملت اگر از تجربه‌ها درس بگیرد و راه خود را با صراط مستقیم الهی تطبیق کند، مصداق «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُ» (مائده: ۱۱۹) خواهد شد» (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۸۲/۱۱/۱۵). یا با قطعیت می‌گوید: «در این هیچ تردید نکنید که «إِنْ تَنْصَرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» (محمد: ۷)؛ همت ما باید این باشد که «إِنْ تَنْصَرُوا اللَّهَ» را تأمین کنیم؛ خدا را نصرت کنیم. اگر نیت ما، عمل ما، حرکت ما تطبیق کند با «إِنْ تَنْصَرُوا اللَّهَ»، دنبالش «يَنْصُرْكُمْ» حتماً وجود دارد؛ وعده الهی تخلف‌ناپذیر است. این حرکت را دنبال کنید، این کار را دنبال کنید؛ این جدیت‌ها را دنبال کنید؛ آینده مال شما است» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و خانواده‌های آنان، ۱۳۹۴/۰۷/۱۵).

همچنین در پیامی که به حجاج داشته است، از وحدت به‌عنوان یکی از دو پایه اساس حج نام برده که در صورت همراهی با ذکر و معنویت می‌تواند امت اسلامی را به اوج عزت و سعادت برساند و مصداق «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» (منافقون: ۸) قرار دهد (پیام به حجاج بیت‌الله الحرام، ۱۴۰۱/۰۴/۱۷).

داشته است و می‌توان به‌جرت ادعا کرد تفسیر و بیانات قرآنی ایشان با توجه به نقش حکمرانی وی سبب شده است با بینشی راهبردی و دیدی کلان‌نگر و اجتماعی، قرآن را با نیازهای بشر بیامیزد و به‌عنوان یک برنامه زندگی و سعادت دو دنیا از قله‌های عرشی استبدادی که برخی عالمان نیز در آن بی‌تأثیر نبوده‌اند به زندگی فرشی سراسر نیاز بشریت عرضه دارد. امری که بشر در هیچ دوره‌ای بی‌نیاز از آن نیست. بر این اساس تفسیر امام خامنه‌ای در زمینه جری و تطبیق را می‌توان یک مرحله فراتر از تفسیر علامه طباطبائی و در امتداد آن دانست.

واقعی این آیه هستند، یاد کرده است (ر.ک. بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۷۴/۰۶/۰۸).

در جایی دیگر درباره سپاه فرموده‌اند: «سپاه، با حضور و فداکاری صادقانه خود که مصداق این آیه شریفه است که «صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ» (احزاب: ۲۳)، حقیقتی از حقایق اسلام را زنده کرد؛ و آن اینکه بشر - همین بشر معمولی و اسیر علل و اسباب عادی - وقتی که با خدا رابطه برقرار می‌کند، چگونه آن سلطه عظیم و اقتدار معنوی را می‌یابد، که حتی بر علل و عوامل تردیدناپذیر عالم ماده هم غلبه پیدا می‌کند» (ر.ک. بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، ۱۳۷۲/۰۶/۲۵).

بیان مصادیق متعدد در زمان‌های مختلف برای یک آیه بیانگر مبنای مفسر در اعتقاد به قاعده جری و تطبیق است و همان‌گونه که دیگر مفسران نیز گفته‌اند: «از اینجا روشن می‌شود که آیه چنان مفهوم وسیعی دارد که تمام مؤمنان راستین را در هر عصر و هر زمان شامل می‌شود» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۷ ص ۲۴۷).

همچنین ایشان با توجه به حمله دشمن به باورهای دینی و سیاسی در جنگ ترکیبی، «خناس» در سوره ناس را منطبق بر همین تبلیغاتچی‌های خارجی و دنباله‌روهای آنها در داخل دانسته که با هدف سست کردن اراده ملت و مأیوس کردن جوانان صورت می‌گیرد (ر.ک. بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۴۰۲/۰۱/۰۱)، یا در آیه «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابِ مَعَكَ» که خداوند به پیامبر و مؤمنان همراه ایشان دستور استقامت می‌دهد. امام خامنه‌ای با تنقیح مناط و الغای خصوصیت آیه را توسعه داده و مخاطبان آیه را مؤمنان عصر حاضر بیان کردند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۴۰۲/۰۱/۰۱).

نتیجه‌گیری

با اینکه قاعده جری و تطبیق بر اساس روایات از شیوه‌های تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام بوده است، اما تا پیش از علامه طباطبائی که به‌طور ویژه آن را به‌عنوان یک قاعده مطرح کرد، کسی با این دید به این مسئله نپرداخته است و همان‌گونه که مشهور نیز هست سزاوار است که این قاعده به نام ایشان شناخته شود؛ اما با پژوهش صورت‌گرفته در جری و تطبیق از دیدگاه امام خامنه‌ای مشخص گردید که ایشان در کاربردی‌سازی این قاعده نقش بسیار پررنگی

منابع.....

عباشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *کتاب التفسیر*. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: چاپخانه علمیه.

فراش کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). *تفسیر فرات الکوفی*. تحقیق محمدکاظم محمودی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *کتاب العین*. چ دوم. قم: هجرت.

فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). *تفسیر الصافی*. تحقیق حسین اعلمی. چ دوم. تهران: صدر.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. تحقیق جمعی از محققان. چ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

مسعودی، عبدالهادی (۱۴۰۰). *فقه الحدیث ۴*. چ پنجم. قم: دارالحدیث.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مودب، سیدرضا (۱۳۹۶). *مبانی تفسیر قرآن*. چ چهارم. قم: دانشگاه قم.

نفیسی، شادی (۱۳۹۲). *مبانی جری و تطبیق از دیدگاه علامه طباطبائی*. قرآن شناخت، ۱۲، ۲۶-۵.

قرآن کریم.

ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. تصحیح عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. چ سوم. بیروت: دار صادر.

بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و اقشار گوناگون مردم. در: farsi.khamenei.ir

بیانیه گام دوم انقلاب (۱۳۹۷). در: khamenei.ir.

جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱). *تفسیر تسنیم*. تحقیق علی اسلامی. چ پانزدهم. قم: اسراء.

حسکانی، عبیدالله بن احمد (۱۴۱۱ق). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تحقیق محمدباقر محمودی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*. چ هیجدهم. تهران: صهبا.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱الف). *بیان قرآن (تفسیر سوره برائت)*. چ هفتم. تهران: انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱ب). *بیان قرآن (تفسیر سوره بقره)*. تهران: انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱ج). *بیان قرآن (تفسیر سوره تغابن)*. چ سوم. تهران: انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱د). *بیان قرآن (تفسیر سوره جمعه)*. چ چهارم. تهران: انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱و). *بیان قرآن (تفسیر سوره مجادله)*. چ هشتم. تهران: انقلاب اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱هـ). *بیان قرآن (تفسیر سوره حشر)*. چ دوم. تهران: انقلاب اسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دار العلم.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). *منطق تفسیر قرآن*. قم: جامعه المصطفی العالمیه.

شاکر، محمدکاظم (۱۳۷۶). *روش‌های تأویل قرآن*. چ سوم. قم: بوستان کتاب.

صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. قم: جامعه مدرسین.

صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد*. تحقیق و تصحیح محسن بن عباسعلی کوچه‌باغی. چ دوم. قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. چ پنجم. قم: جامعه مدرسین.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تحقیق و مقدمه محمدجواد بلاغی. چ سوم. تهران: ناصر خسرو.

طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. مقدمه آقابزرگ تهرانی. تحقیق احمد قصبی‌عاملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). *تفسیر نورالتقلین*. تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی. چ چهارم. قم: اسماعیلیا.